

کسب و کار بین المللی، کسب و کار مسئولانه و حقوق بشر

■ نویسنده: فلوریان وتستن
■ منبع: ژورنال تجارت جهانی

تاریخچه پژوهش‌های مرتبط با مسئولیت‌های اجتماعی کسب و کار حداقل به دهه ۱۹۵۰ میلادی برمی‌گردد. کتاب مسئولیت‌های اجتماعی بازرگانان بوون^۱ معمولاً به عنوان اولین کار عمده در این حوزه دیده می‌شود که موجب بحث‌های فزاینده‌ای در خصوص این موضوع در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شد. با توجه به کولک (۲۰۱۶)، حوزه کسب و کار بین‌المللی و به ویژه دورسانه اصلی آن، مجله کسب و کار جهانی^۲ و مجله مطالعات کسب و کار بین‌المللی، از دهه ۱۹۷۰ شروع به بررسی این موضوع کردند و زاویه بین‌المللی متمایزی به این بحث اضافه نمودند، زاویه‌ای که تا آن زمان به تجربیات آمریکا محدود شده بود. مجله مطالعات کسب و کار بین‌المللی اولین مقاله خود در این موضوع را در سال ۱۹۷۶ منتشر کرد در حالی که مجله کسب و کار جهانی در سال ۱۹۷۲ با انتشار یک شماره ویژه در کنفرانس سازمان ملل در مورد انسان و محیط زیست، به این مباحث ورود کرده بود.

این آگاهی علمی از مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چند ملیتی^۳ با رشد روزافزون نگرانی بین‌المللی در مورد اثرات بالقوه عملیات شرکت‌های چند ملیتی، به ویژه بر روی کشورهای در حال توسعه، همسوی بود.

ارزش افزوده و چشم‌انداز حقوق بشر

می‌توان این پرسش را مطرح کرد که چرا به طور کلی تمرکز بر حقوق بشر، با توجه به بحث‌های ایجاد شده در مورد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها،^۴ کسب و کار پایدار و اصول اخلاقی کسب و کار در داخل و خارج از حوزه کسب و کار بین‌المللی نامیده می‌شود. در حقیقت بحث‌های موجود، طیف گسترده‌ای از موضوعات را که ممکن است با مسایل مربوط

به حقوق بشر هم‌پوشانی داشته باشد، پوشش می‌دهند، تا حدی که ممکن است محققان، حقوق بشر مرتبط با کسب و کار را به عنوان یک مسأله مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، در نظر بگیرند. اشتباه دیگری که ممکن است در این زمینه رخ دهد این است که بسیاری از شرکت‌ها، حقوق بشر مربوط به کسب و کار را با مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برابر دانسته و مسئولیت‌های اجتماعی خود را به نوعی انطباق با الزامات حقوق بشر در نظر بگیرند.

اکنون باید پرسید که از دیدگاه حقوق بشر تفاوت این دو و انحصار آن‌ها در چیست؟

به نظر ما تفاوت تمرکز بر حقوق بشر فقط معنایی نیست. پرداختن به مسئولیت کسب و کار از نظر حقوق بشر به نقطه شروع متفاوتی برای بازرخورد‌های ما نیاز دارد و بر همین اساس، با توجه به ماهیت، شکل و میزان مسئولیت‌های مربوط به شرکت، به پیامدهای مختلفی منتهی می‌شود. حقوق بشر به طور سنتی مورد توجه دولت‌ها قرار می‌گیرد و به عنوان ابزاری برای مهار قدرت و منع استفاده نادرست و خودسرانه از آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این فرضیه گفت‌وگو سنتی غالب بر اساس مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به اجرا درآمده است، به طور مثال بر اساس ایده جداسازی کامل قلمروهای عمومی و خصوصی. در حالی که فضای عمومی و در نتیجه حقوق بشر، در دامنه مسئولیت دولتی قرار دارد و مسئولیت‌های اجتماعی کسب و کار به عنوان مسئولیت‌های خصوصی باقی‌مانده تلقی می‌شوند. از نظر علایم، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، در تضاد با پشت پرده کشورهای قدرتمند با چارچوب‌های نهادی کارآمد است. اگر چه در مفهوم جهانی که در آن بازارها و زنجیره ارزش شرکت‌های چند ملیتی فراتر از حد قانونی هر دولت گسترش می‌یابند، فضاهای غیردولتی که به اصطلاح شکاف‌های حاکمیتی یا حفره‌های نهادی نامیده می‌شوند-توسط انواع مختلف از بازیگران بخش‌های خصوصی و دولتی اشغال شده‌اند - جدایی بین بخش‌های خصوصی و دولتی به شدت از بین رفته است. بنابراین نگاه تک‌بعدی به مسئولیت شرکت‌ها با دیدی فقط خصوصی، ممکن است موجب تفسیر غلط از نقش واقعی شرکت‌ها در اقتصاد سیاسی جهان امروز شود. گسترش مسئولیت حقوق بشر

به شرکت‌ها به معنای خصوصی‌سازی حقوق بشر نیست، بلکه گسترش مسئولیت شرکت‌ها در عرصه عمومی است.

مورد اول: مسئولیت‌های عمومی نسبت به مسئولیت‌های خصوصی هنجارهای متفاوتی دارند، از جمله تفاوت در کیفیت و نیروی متعهد. در همین راستا مسئولیت خصوصی و در نتیجه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها معمولاً به عنوان رفتاری داوطلبانه و قابل ستایش و فراتر از وظیفه تلقی می‌شود. اگرچه این موضوع به تعاریف قبلی مسئولیت اجتماعی شرکت برمی‌گردد و به نوعی از زمان پیدایش آن متنوع گشته و تکامل یافته است، اما این دیدگاه امروزه در میان دیدگاه‌های غالب مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها باقی‌مانده است. این دیدگاه هنوز هم به ویژه در درون خود شرکت‌ها وجود دارد که مسئولیت اجتماعی شرکت را امری داوطلبانه تلقی کرده و در نتیجه به وظایف خوداهمیت کمتری می‌دهند. در مقابل احترام به حقوق بشر و ترویج آن اختیاری تلقی نمی‌شود.

مورد دوم: مسئولیت عمومی نیازمند درخواست قوی به پاسخگویی عمومی است. برخلاف این پیش‌زمینه، اینکه محققان حقوق بشر کسب و کار به طور سنتی از نقش بسیار قوی قانون در حوزه مسئولیت اجتماعی طرفداری کرده‌اند تعجب‌آور نیست. بنابراین آن‌ها به جای تأکید بر منافع ادعا شده تمایل بیشتری به الزامات و سیاست‌های قانونی در مقابله با حقایق مدیریتی دارند.

مورد سوم: در حقوق اولویت با ملاحظاتی است که فقط در جهت تقویت منافع عمومی یا خصوصی است.

مورد چهارم: حقوق بشری قید و شرط، جهانی و برابر است.

مورد پنجم: حقوق بشر یک مرجع جهانی و قدرتمند می‌خواهد در حالی که تمرکز مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، تعریف نشده و بیشتر اخلاقی است و به طور بالقوه می‌تواند پیشرفت کسب و کار مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تضعیف کند.

پی‌نوشت:

- 1- Bowen's The Social Responsibilities of Businessmen
- 2- Journal of World Business (JWB)
- 3- Journal of International Business Studies (JIBS)
- 4- multinational enterprises (MINEs)
- 5- corporate social responsibility
- 6- business and human rights